



## سخاوت بی اندازه امام مجتبی(ع) / تهمت ناروای برخی مستشرقین به امام

امام حسن(ع) سه دفعه اموال خود را در راه خدا تقسیم کرد و دو دفعه کلّ اموال و آنچه را که داشت در راه خدا بخشید. تا جایی که دشمنان هم اقرار دارند او سخی‌ترین مرد عرب است.

امام حسن(ع) سه دفعه اموال خود را در راه خدا تقسیم کرد و دو دفعه کلّ اموال و آنچه را که داشت در راه خدا بخشید. تا جایی که دشمنان هم اقرار دارند او سخی‌ترین مرد عرب است.

خبرگزاری مهر، : دوران امامت خصوصاً دوران خلافت امام حسن مجتبی (ع) در یکی از شرایط سخت و پیچیده تاریخی است و تحلیل و استنباط عملکردهای آن حضرت بسیار سخت بوده است تا به حدی که بسیاری از شیعیان خالص و وفادار هم در آن زمان بر ایشان ایراد گرفته و تصمیم‌های ایشان را به نادرست تعبیر می‌کردند. موضوع کرامت امام حسن (ع) در برخورد با دوستان و دشمنان، عقلانیت و شجاعت امام مجتبی (ع) از جمله مباحثی است که در گفتگو با دو تن از کارشناسان دینی به بررسی آن نشستیم که در ادامه می‌خوانید؛

آزادی یک برده توسط امام حسن (ع) بخاطر کرامت به یک سگ

حجت الاسلام کاشانی در مورد شرایط مردم در دوران امامت امام حسن (ع) گفت: امام مجتبی در آن دوران می‌بیند نمی‌شود با مردم حرف زد. چطور آن‌ها را جذب بکند؟ امام می‌بیند این مردم دنیا پرست هستند، مال دوست هستند، دنیاخواه هستند. فعلاً هم درمان نمی‌شوند؛ چه کار کند این‌ها اهل بیت پیغمبر را فراموش نکنند؟ حضرت تصمیم می‌گیرند برای این که این‌ها خانه اهل بیت را گم نکنند، این آدرس فراموش نشود شروع به بخشش می‌کنند. بخشش به چه کسانی است؟ به کسانی است که محبّ امام حسن (ع) نیستند. امام حسن، کریمی است که کیسه زر او را مخالفین و دشمنان او نیز چشیدند.

وی ادامه داد: امام حسن (ع) کسی است که اگر کسی به خاطر خدا به یک سگ غذا بدهد، او را می‌خرد و آزاد می‌کند.

وی افزود: دید یک مرد سیاه پوست دارد به سگ نان می‌دهد. وقتی تمام شد فرمود: چرا داشتید به این سگ نان می‌دادید؟ گفت: وقتی می‌خواستم نان بخورم دیدم این دارد به من نگاه می‌کند. از چشمان او حالت گرسنگی را حس کردم. از خدا حیا کردم که یک بنده او غذا بخورد و یک بنده دیگر گرسنه باشد. امام فرمود تو چه کسی هستی؟ گفت: من غلام ابان بن عثمان هستم که خانه او این جا است. نوکر و دربان او هستم. فرمود: همین جا صبر کن من برمی‌گردم. حضرت رفت و برگشت، فرمود: من تو را خریدم، بلند شد گفت: سیدی و مولای من در خدمت هستم. فرمود: این باغ را هم خریدم. تو را در راه خدا آزاد کردم، این باغ را هم به تو بخشیدم. امام حسن برای این که کسی دست سگی را بگیرد او را آزاد می‌کند. این کرامت امام حسن (ع) با بندگان خدا بود.

حجت الاسلام کاشانی گفت: سه دفعه اموال خود را در راه خدا تقسیم کرد. دو دفعه کلّ اموال، آنچه را که داشت در راه خدا بخشید. تا اینکه مروان گفت: این سخی‌ترین مرد عرب است. دشمنان هم چشیدند.

وی ادامه داد: «یعقوبی» مورخ نام‌آشنای قرن سوم درباره امام حسن مجتبی (ع) می‌نویسد: «او فردی جواد، کریم و بخشنده بود و از حیث اخلاق و ظاهر شبیه‌ترین فرد به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به حساب می‌آمد. ۱۵ مرتبه پیاده به حج رفت و ۲ مرتبه تمام دارایی خود را در راه خدا بخشید!»

شجاعت امام حسن مجتبی (ع)

حجت الاسلام کاشانی در مورد شجاعت و جنگ‌آوری امام مجتبی (ع) گفت: امام حسن سردار جمل است. اشجع فرزندان امیرالمؤمنین بود. وظیفه امیرالمؤمنین این است که امامان بعدی را حفظ کند. لذا نمی‌گذاشت حسنین همین‌طور در جنگ‌ها شرکت کنند. یکی از دلایلی که می‌گوئیم حسنین (ع) در جنگ با ایران شرکت نکردند همین است. جان امام را به همین راحتی به خطر نمی‌اندازند.

وی ادامه داد: از فرزندان امیر المؤمنین که با مردم در جنگ جمل و صفین همراه بود محمد حنفیه است. خیلی هم قد و هیكل رشیدی داشت شبیه حضرت عباس (ع) به قدرتمندی هم مشهور بود. مسعودی نقل می کند ظاهراً در یک برهه ای از جنگ جمل هزار نفر در یک جا تجمع کرده بودند، باید این صف را می شکستند تا پیروزی اتفاق بیفتد. حضرت فرمود: محمد برو. محمد اسب خود را راه انداخت که برود دید هزار نفر هستند. زدن به این خطی که منتظر هستند کار هر کسی نیست. مدام خواست برود و برگشت. چند بار این اتفاق افتاد. امیرالمومنین، امام حسن (ع) را مأمور کردند. امام مجتبی (ع) به خط زد، دقایقی بعد برگشت و صف را شکسته بود. حضرت به محمد حنفیه فرمود «لَا تَأْتَفُ فَإِنَّهُ ابْنُ النَّبِيِّ وَ أَنْتَ ابْنُ عَلِيٍّ، لَا تَأْتَفُ يَا بَنِي فَانهِ ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ ابْنَ فَاطِمَةَ» یعنی اصلاً شما خود را با او مقایسه نکنید، او پسر فاطمه ی زهرا (ع) است. خیال نکنید شما باید مثل حسن بن علی باشید، اصلاً شما نمی توانید.

عقلانیت در سیره امام حسن مجتبی (ع)

حجت الاسلام کاشانی در مورد جنبه های عقلانیت در سیره امام حسن مجتبی (ع) گفت: در روایات ما و صوفیان اهل سنت آمده است که «لَوْ كَانَ الْعَقْلُ (شخصاً) رَجُلًا لَكَانَ الْحَسَنُ»؛ اگر عقل و عقلانیت می خواست در یک هیكل مجسم شود او حسن بن علی (ع) می شد. یعنی سر تا پا عقلانیت است، عقل کل عالم است.

وی ادامه داد: وقتی امیر المؤمنین با عایشه و طلحه و زبیر جنگید، مردم گفتند: داماد پیغمبر و عروس پیغمبر! ما این وسط چه کار کنیم؟ به مشکل برخورد بودند. امیر المؤمنین هر کسی را به کوفه می فرستاد، ابو موسی اشعری و دیگران سخنرانی می کردند و مردم نمی آمدند، می گفتند ما در فتنه شرکت نمی کنیم. این ها با هم دعوا دارند ما برویم خون مسلمان را بریزیم؟ حرام است. عمار رفت صحبت کرد نشد، مالک اشتر رفت صحبت کرد نشد، امیر المؤمنین فرمود: حسن جان تو برو. امام حسن آمد سخنرانی کرد و ۱۰ هزار نفر آمدند. حضرت این قدر آن جا محکم حرف زده است که خود ابو موسی اشعری در جنگ جمل شرکت کرد. دید اگر نرود خیلی بد است. یعنی همان کسی که تبلیغ می کرد که نروید و شرکت نکنید و این فتنه است، اما با این استدلال هایی که امام حسن کرد خود ابو موسی هم در جنگ جمل شرکت کرد. یکی از وجهه های حضرت عقلانیت است.

روایتی بلند از پیامبر در مورد امام حسن (ع)

حجت الاسلام رضا اصلانی نیز در خصوص روایتی از پیامبر اکرم (ص) در مورد امام مجتبی (ع) توضیح داد: روایتی از رسول اکرم در مورد امام حسن وجود دارد که روایتی بسیار جامع است. پیامبر فرمودند: «وَ أَمَّا الْحَسَنُ فَإِنَّهُ ابْنِي وَ وَليُّ وَ بَصْعَةَ مِيَّتِي وَ فَرَّةَ عَيْنِي وَ ضِيَاءَ قَلْبِي وَ تَمَرَةَ فَوَادِي وَ هُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْأُمَّةِ أَمْرُهُ أَمْرِي وَ قَوْلُهُ قَوْلِي مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِيَّتِي وَ مَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِيَّتِي &hellip; قَمَنْ بَكَاهُ لَمْ تَعْمَ عَيْنُهُ يَوْمَ تَعْمَى الْعُيُونُ وَ مَنْ حَزَنَ عَلَيْهِ لَمْ يَحْزَنْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَحْزَنُ الْقُلُوبُ وَ مَنْ زَارَهُ فِي بَقِيَعِهِ تَبَّتْ قَدَمُهُ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزَلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ.»

وی افزود: یعنی همانا او پسر و فرزندم و پاره تن من و نور چشمانم و روشنایی قلبم و میوه دلم و او سرور سرور جوانان اهل بهشت و حجت خدا بر امت است. فرمان حسن (ع) فرمان من و سخن او سخن من است. هر کس از او پیروی کند از من پیروی کرده است و هر که او را نافرمانی کند از من نیست و هر کس بر حسن (ع) بگریزد در آن روزی که چشم ها نابینا می شود، بینا خواهد بود. هر که بر مصائب حسن (ع) محزون و غمگین شود در روز قیامت که همه دل ها و قلب های مردم محزون است، قلب و دلش محزون و غمگین نخواهد بود. هر کس او را در کنار مرقد مطهرش در قبرستان بقیع زیارت کند، در روز قیامت که خیلی از گام ها بر پل صراط می لرزد، گام هایش بر صراط ثابت قدم خواهد بود.

این کارشناس دینی ادامه داد: در این حدیث شخصیت امام حسن (ع) از دیدگاه پیامبر تشریح شده است. وقتی پیامبر می فرماید امام حسن حجت خداست یعنی امامی است که خدا او را طبق آیه قرآن منصوب کرده که «وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» و یا «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا»، یعنی تنها خداوند امام را جعل و منصوب می کند.

وی افزود: در ادامه پیامبر (ص) می فرماید فرمان حسن (ع) فرمان من است یعنی آنچه امام حسن (ع) می گوید عین چیزی است که رسول الله می گوید.

این کارشناس دینی با اشاره به آیه ای از قرآن گفت: قرآن می فرماید «ان كنتم تحبون الله فتبعوني يحببكم الله» یعنی بگو اگر مدعی دوستی خدا هستید، باید مطیع من (پیامبر) باشید. اگر مطیع پیامبر بودند خدا آنها را دوست دارد. لذا پیامبر طبق این آیه می فرماید سخن حسن (ع) سخن من است. اینکه پیامبر می فرماید هر که از حسن (ع) پیروی کند از من پیروی کرده نیز عین آیه قرآن است که قرآن پیروی از اولوالامر را پیروی از خدا ذکر کرده است.

وی افزود: کسانی که در مقابل مکتب آسمانی امامت ایستادند، در واقع مقابل کلام پیامبر ایستادند که فرمود هر که از حسن نافرمانی کند از من نافرمانی کرده است. لذا امامت آسمانی است و امام از طرف خدا منصوب می شود.

اصلائی در خصوص دلالت صفت کریم بر امام حسن مجتبی (ع) گفت: این به جهت سخاوت بی اندازه امام مجتبی (ع) بوده است. در روایتی در کتاب تاریخ یعقوبی آمده است که امام مجتبی (ع) دو بار همه اموال خود را بخشیده است. شهرت کرامت آن حضرت هم بیشتر به خاطر همین امر بوده است. لذا کرم امام مجتبی (ع) نسبت به دیگر صفات ایشان بارز بوده است. مثلاً در این خصوص علامه طباطبایی فرمودند همه ائمه رئوف هستند ولی رأفت امام رضا (ع) خیلی سریع شامل انسان می شود.

محبوترین فرد از خاندانم نزد من حسن (ع) و حسین (ع) هستند

وی در خصوص شناخت امام گفت: امام را تنها امام می شناسد. پیامبر (ص) در مورد امام حسن (ع) مطالب بلندی را فرموده اند. مثلاً حضرت فرمودند «ابن الحسن و الحسین سیّد شباب اهل الجنّه» و یا «الحسن و الحسین ریحانتی من الدنیا» یعنی امام حسن و امام حسین آقای جوانان اهل بهشتند و آنها دو گل خوشبوی من در دنیا می باشند.

این کارشناس دینی افزود: پیامبر فرمودند «هذان ابنای من احبهما فقد احببنی» یعنی حسن و حسین دو پسر من هستند و کسی که آنها را دوست بدارد مرا دوست داشته است.

اصلائی گفت: در روایت دیگری می فرماید «الحسن و الحسین امامان قام او قعدا» یعنی حسن و حسین هر دو امام و پیشوا هستند، خواه شرایطی برای به دست آوردن زمام امور برای آنها فراهم شود و چه نشود. چه کسی که قیام می کند و چه آنکه قیام نمی کند، یک حرکت می کنند.

وی ادامه داد: پیامبر فرمود «احب اهل بیته الی الحسن و الحسین» یعنی محبوترین فرد از خاندانم نزد من حسن و حسین هستند. «من سرّه أن ینظر إلی سیّد الشباب اهل الجنّه فالینظر الی الحسن ابن علی» یعنی کسی که می خواهد به دیدن آقای جوانان اهل بهشت شاد شود، به حسن ابن علی (ع) بنگرد.

تهمت های ناروای برخی از مستشرقین به امام حسن (ع)

این کارشناس دینی در خصوص برخی تهمت های ناروایی برخی از مستشرقین به امام حسن (ع) وارد کردند، گفت: برخی در تاریخ دست بردند و آن را تحریف کردند. مثلاً در مورد تعداد زن های حضرت حرف های گزاف و تهمت هایی به حضرت زده می شود. علامه جعفر مرتضی عاملی کتابی در مورد امام حسن (ع) دارند که همه شبهات مربوط به امام حسن (ع) را بحث کرده است.

وی در پایان گفت: آیه ۱۲۴ سوره بقره می فرماید «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» این آیه مبحث کامل امامت را داراست. آیت الله جوادی آملی صد و بیست صفحه در رابطه با امامت بحث کرده است. اگر ما بخواهیم امامت را صحیح بحث کنیم، منبع لایزال آن وحی است. پس از وحی هم احادیث و زیارات مملو از مباحث امامت است. مثلاً زیارت جامعه کبیره حدود چهارصد ویژگی امام بیان شده است. همه این فضائل هم مصادیق قرآنی دارد.

اصلائی ادامه داد: از مجموعه آیات و روایات این استفاده می شود که امام حسن (ع) و بطور کلی اهل بیت قبل از خلقت عالم امام بوده اند. «کنتم نوراً فی اصلاّب الشامخه و الارحام المطهره» لذا سجده ملائکه به آدم بخاطر این انوار بوده است. امامت و ولایت امری آسمانی است و باید این نظام معنوی را بر اساس قرآن برای بشریت تبیین کنیم.